

مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه

دومینیک استریناتی
ثریا پاکنظر

سرشناسه	:	استریناتی، دومینیک Strinati, Dominic
عنوان و نام پدیدآور	:	مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه / دومینیک استریناتی؛ مترجم ثریا پاک‌نظر.
مشخصات نشر	:	تهران : کتابخانه فروردین، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۳۶۴ ص.
شابک	:	978-964-6693-23-4
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبیا
یادداشت	:	عنوان اصلی: An introduction to theories of popular culture, 1995.
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۳۴۱ - ۳۵۶.
موضوع	:	فرهنگ همه‌پسند
شناسه افزوده	:	پاک‌نظر، ثریا، ۱۳۲۸ - مترجم
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۲ ۷م۴۳الف۶۲۱HM
رده بندی دیویی	:	۳۰۶
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۲۷۵۱۹۸

انتشارات کتابخانه فروردین

نام کتاب: مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه

نویسنده: دومینیک استریناتی

مترجم: ثریا پاک‌نظر

ناظر چاپ: ماندانا نخ‌نوی

ناشر: کتابخانه فروردین

نوبت چاپ: اول ناشر ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: طیف‌نگار

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۹۳-۲۳-۴

بهاء: ۱۴۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ می‌باشد. هرگونه استفاده به هر شکل بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است. متخلفان به موجب قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

آدرس مرکز پخش: تهران خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - کوچه الوندی - پلاک ۲ - زنگ اول

تلفن: ۶۶۴۹۰۸۱ - ۶۶۴۱۹۵۵۳

فهرست مطالب

۹	قدردانی
۱۱	مقدمه
۲۱	فصل اول: فرهنگ توده‌ای و فرهنگ عامه
۲۷	فرهنگ توده‌ای و جامعه توده‌ای
۳۳	مباحث فرهنگ توده‌ای
۴۶	فرهنگ توده‌ای و امریکایی‌سازی
۵۷	امریکاگرایی و نقد نظریه فرهنگ توده‌ای
۶۲	نقد نظریه فرهنگ توده‌ای
۸۳	فصل دوم: مکتب فرانکفورت و صنعت فرهنگ
۸۶	خاستگاه مکتب فرانکفورت
۹۰	نظریه بُت‌وارگی کالا
۹۳	نظریه مکتب فرانکفورت درباره سرمایه‌داری مدرن
۹۶	صنعت فرهنگ
۱۰۰	صنعت فرهنگ و موسیقی عامه

نظریه آدورنو درباره موسیقی مردمی، کادیلاک و

۱۰۶ گروهای «دوئوپ»

۱۱۱ مکتب فرانکفورت: ارزیابی انتقادی

۱۲۰ بنیامین و نقد مکتب فرانکفورت

فصل سوم: ساختارگرایی: نشانه‌شناسی و فرهنگ عامه ۱۲۷

۱۳۰ بیان‌شناسان ساختارگرا نظرات سوسور

۱۳۶ ساختارگرایی، فرهنگ و اسطوره

۱۴۴ ساختارگرایی و جیمز باند

۱۵۲ بارت، نشانه‌شناسی و فرهنگ عامه

۱۵۳ بارت، ساختارگرایی، و نشانه‌شناسی

۱۵۵ نگارش درجه صفر

۱۵۷ اسطوره‌ها و فرهنگ مردمی

۱۶۲ مردان بورژوا و زنان رمان نویس

۱۶۶ ساختارگرایی و نشانه‌شناسی: چند مسئله کلیدی

۱۶۶ ساختارگرایی لوی استراوس

۱۷۰ نشانه‌شناسی رولان بارت

فصل چهارم: مارکسیسم، اقتصاد سیاسی و ایدئولوژی ۱۷۹

۱۸۱ مارکس و ایدئولوژی

۱۸۸ مارکسیسم و اقتصاد سیاسی

۱۹۵ حد و مرزهای اقتصاد سیاسی

۲۰۰ نظریه ایدئولوژی آلتوسر و مارکسیسم ساختارگرا

۲۰۹ مارکسیسم آلتوسر: جبرگرایی اقتصادی و ایدئولوژی

۲۱۵ گرامشی، مارکسیسم و فرهنگ عامه

۲۲۱ مفهوم هم‌مونی گرامشی

۲۲۹ نتیجه‌گیری: مارکسیسم، مارکسیسم گرامشی و فرهنگ عامه

فصل پنجم: فمینیسم و فرهنگ عامه ۲۳۷

نقد فمینیستی ۲۴۱

زنان و تبلیغات ۲۴۶

تحلیل فمینیستی فرهنگ عامه ۲۵۱

نظریه فمینیستی و نقد تحلیل محتوایی ۲۵۴

نظریه فمینیسم، پدرسالاری و روانکاوی ۲۵۹

نظریه فمینیستی و مطالعه ایدئولوژی ۲۶۵

تحلیل فمینیستی، رسانه‌شناسی و ایدئولوژی ۲۷۰

تحلیل فمینیستی، ایدئولوژی و پیام‌گیران ۲۷۵

نتیجه‌گیری ۲۸۳

فصل ششم: پُست مدرنیسم و فرهنگ عامه ۲۸۹

پُست مدرنیسم چیست؟ ۲۹۳

از میان رفتن تمایز بین فرهنگ و جامعه ۲۹۳

تأکید بر سبک به بهای فدا کردن جوهر ۲۹۵

از میان رفتن تمایز بین هنر و فرهنگ عامه ۲۹۵

اختلال و آشفتگی درباره زمان و فضا ۲۹۷

افول فراروایتها ۲۹۷

فرهنگ عامه معاصر و پُست مدرنیسم ۲۹۸

معماری ۲۹۹

سینما ۳۰۰

تلویزیون ۳۰۲

تبلیغات ۳۰۴

موسیقی پاپ ۳۰۵

ظهور پُست مدرنیسم ۳۰۷

مصرف‌گرایی و اشباع رسانه‌ای ۳۰۷

۳۰۹	 مشاغل طبقه متوسط جدید و بازارهای مصرفی
۳۱۰	 فرسایش هویت‌های جمعی و شخصی
۳۱۲	 محدودیت‌های پُست مدرنیسم
۳۲۳	 فصل هفتم: جمع‌بندی
۳۲۶	 گفت‌وگو و فرهنگ عامه
۳۳۰	 رویکرد «گفت و شنودی» در نگرش به فرهنگ عامه
۳۳۳	 پوبولیسم فرهنگی
۳۴۱	 کتاب‌نامه
۳۵۷	 منابع پیشنهادی دیگر

قدردانی

این کتاب تلاش در جهت گسترش کار نویسنده درباره فرهنگ عامه در جهانی جدید است. مطالب مندرج در این کتاب طی تدریس دروس مختلف درباره فرهنگ عامه و نظریه‌های جامعه‌شناسی و فرهنگی در دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه لستر جمع‌آوری شده است. استفاده از یک دوره مطالعاتی که دانشگاه لستر امکانات آن را برایم فراهم ساخت، به نگارش این کتاب و سرعت بخشیدن به تکمیل آن کمک شایانی کرد. از دانشگاه لستر به خاطر فراهم آوردن این امکان قدردانی می‌کنم. مایلم از دانشجویان سابق و کنونی خود و همچنین همکارانم (در دانشگاه لستر و سایر مراکز علمی) برای کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم‌شان در نگارش این کتاب تشکر کنم. در میان کسانی که باید از آنها قدردانی کنم، از اسامی راس گیل، جیمز فولچر، رومن هوراک، درک لیدر، جان اسکات، سالی وستوود و جان ویلیامز نام می‌برم. از کمک و راهنمایی گراهام مرداک در مراحل اولیه نگارش این کتاب و پیشنهاد چاپ این کتاب از سوی ربکا باردن از انتشارات روتلج و شکمپای و راهنمایی وی در طی دوره نگارش کتاب قدردانی می‌کنم. از سارا پیر دورانت نیز برای مهارت و تلاشی که در ویرایش این کتاب به کار برده است، قدردانی می‌کنم. در پایان قابل ذکر است که مسئولیت نهایی پاسخگویی به کمبودهای این کتاب تنها به عهده خود من است.

مقدمه

www.ketab.ir

این کتاب در اصل بیانگر تلاش است که در جهت معرفی کلی و ارزیابی انتقادی از بعضی نظریه‌های مطرح در فرهنگ عامه صورت گرفته است. مطالعه فرهنگ عامه در حال حاضر در مرحله ورود به برنامه آموزشی است همان‌گونه که به تدریج توجه نظریه‌پردازان و پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی را به خود معطوف ساخته است. فرهنگ عامه، طی دوره ظهور و تحکیم موقعیت خود به عنوان یک موضوع درسی قابل تحلیل و آموزش، مورد سنجش و ارزیابی نظریه‌پردازان مختلف قرار گرفته است. در این کتاب نویسنده سعی کرده است بعضی از این نظریه‌ها را بررسی کرده و میزان تأثیر آنها بر مطالعه فرهنگ عامه را مورد ارزیابی قرار دهد.

با این حال، آنچه فرهنگ عامه و بررسی آن را به موضوع قابل تأملی تبدیل کرده است، تنها این پیشرفت‌ها نیست. افزایش روزافزون تأثیر فرهنگ عامه به صورتی که در رسانه‌های جمعی ارائه می‌شود، بر زندگی مردم در جوامع سرمایه‌داری غرب بسیار شایان توجه است. این تأثیر به طور قطع در سایر جوامع نیز، هم جوامع کهن و هم جوامع معاصر، از اهمیت برخوردار است. اما در جوامع سرمایه‌داری غرب اهمیت فرهنگ رسانه‌ای عامه تا حدی چشمگیر

است که نیاز به مطالعه این پدیده را ایجاد کرده است. در مورد اهمیت این پدیده نباید مبالغه کرد^(۱). درست به همان صورت که در توزیع رسانه‌ها در سطح جهان عدم برابری وجود دارد، در جوامع سرمایه‌داری غرب نیز عدم برابری داخلی، اقتصادی و فرهنگی باعث می‌شود مردم نتوانند در فرهنگ رسانه‌ای عامه به طور یکسان سهیم شوند^(۲). با این حال، با توجه به این موقعیت، دامنه فرهنگ عامه در دنیای معاصر نمایانگر این است که بررسی نظریه‌هایی که سعی در توصیف و ارزیابی آن کرده‌اند، احتمالاً با بحث کلی درباره فرهنگ عامه و فرهنگ توده‌ای در ارتباط است.

نقطه تمرکز این کتاب نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف از فرهنگ عامه است. در این کتاب نویسنده سعی ندارد آداب خاص در پژوهش، مانند پژوهش با استفاده از پیام‌گیران و مسائل روشمندان‌ای را که این آداب مطرح می‌سازند، مورد بحث قرار دهد^(۳). این بدان علت نیست که این آداب مهم نیستند. در واقع، به نظر من این سنتها برای پیشرفت در مطالعه فرهنگ عامه بسیار شایان اهمیت هستند. با این حال، یکی از ویژگیهای این مبحث، تأثیری است که نگرشهای نظری مختلف و بحثها و مجادلاتی که برانگیخته است بر روی این مطالعه داشته‌اند. بنابراین، هرگونه سنجش درباره پیشرفت مطالعه فرهنگ عامه باید از این نگرشهای نظری بهره‌مند شود. البته، همه نظریه‌ها و نگرشها در این مطالعات نادیده گرفته نشده‌اند. برای مثال، فمینیسم در روند بحث‌های نظری گسترده و مرتبط، مطالعات وسیعی را در این مبحث به ثمر رسانده است. اما این کتاب، که درباره نظریه‌هاست، خواستار نادیده گرفتن نظریه‌ها نیست. برعکس، این کتاب بر این فرضیه ساده استوار است که اهمیت نظریه‌ها باید با اهمیت پژوهش برابری بیشتری داشته باشد. یکی از مثالهای خوب در مورد این عدم برابری در توصیف جامع از نظریه پست‌مدرنیسم مشاهده می‌شود که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با این که این کتاب نظریه‌های فرهنگ عامه را به طور کلی مورد نقد و بررسی

قرار می‌دهد، با این حال درباره وسعت و دامنه پوشش تحقیق هیچ ادعایی ندارد. نظریه‌هایی که من برای بحث در نظر گرفته‌ام به دلایل مختلف برگزیده شده‌اند. در وهله اول، این نظریه‌ها با بررسی و ارزیابی فرهنگ عامه در ارتباط مستقیم هستند. بعضی از نظریه‌ها، مانند مارکسیسم و فمینیسم، دامنه بسیار وسیع‌تری دارند، اما در اینجا فقط بر حسب آنچه درباره فرهنگ عامه ارائه داده‌اند، مورد بحث قرار می‌گیرند. نظریه‌های دیگر، که ممکن است مربوط به نظر برسند، به دلیل عدم ارتباط مستقیم با فرهنگ عامه مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. برای مثال بعضی از انواع نظریه‌های پست‌مدرنیسم و پسا ساختارگرایی توجه خود را به این زمینه معطوف نکرده‌اند. بنابراین علی‌رغم ارزششان، به طور صریح مورد خطاب قرار نگرفته‌اند. به همین دلیل است که نوع خاصی از نظریه پست‌مدرنیسم در اینجا مطرح شده است که عناصر آن از منابع مختلف اقتباس شده است. در وهله دوم، می‌توان ادعا کرد که نظریه‌های مطرح شده در این کتاب در برهه‌های مختلف زمانی نقش مهمی در شکل‌گیری بحث‌های مربوط به تفسیر فرهنگ عامه ایفا کرده‌اند. ممکن است تمام آنها به طور یکسان با پژوهش‌های تجربی در ارتباط نباشند، اما تمام آنها معرف مجموعه عقایدی هستند که نقطه عطف مهمی برای هرگونه تلاش در بررسی و ارزیابی فرهنگ عامه به حساب می‌آیند. در اینجا تمرکز بر روی فرهنگ عامه، و نه پیشرفتهای کلی در نظریه اجتماع و فرهنگ، نوع نظریه‌های مطرح شده در این کتاب را توضیح می‌کند.

سوم آن‌که، تمام نظریه‌های منتخب به طور مستقیم با فرهنگ عامه و نه رسانه‌های جمعی، سروکار دارند. در واقع در نظر گرفتن یکی بدون دیگری واقعاً کار دشواری است، به ویژه به این دلیل که امروزه فرهنگ عامه با رسانه‌های جمعی رابطه تنگاتنگی دارد. این کتاب به هیچ وجه سعی ندارد این ارتباط را ناچیز بشمارد. با این حال، چون بین نظریه‌ها و مطالعاتی که بر رسانه‌های جمعی تمرکز کرده‌اند و نظریه‌هایی که فرهنگ عامه نقطه تمرکزشان است تفاوت وجود دارد، این کتاب سعی دارد دامنه بحث خود را به فرهنگ عامه

محدود کند. بعضی از نظریه‌هایی که در اینجا مطرح شده‌اند، برای مثال نظریه اقتصاد سیاسی منشعب از مارکسیسم، نقش رسانه‌های جمعی و فرهنگ عامه را یکسان می‌بینند. با این حال، به دلیل تمرکزی که برگزیده شده است، رویکردهایی از این دست، اساساً برحسب نظریه فرهنگ عامه مورد بحث خود معرفی و ارزیابی خواهند شد، بدون آنکه نظریه آنها درباره رسانه‌های جمعی لزوماً ناچیز شمرده شود.

علاوه بر این، نظریه‌ها و دیدگاههایی که در فصل‌های بعدی عنوان شده‌اند برحسب کفایت‌شان در مقام نظریه‌های جامعه‌شناسی درباره فرهنگ عامه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. پیشرفت در مطالعه فرهنگ عامه بر کمک‌هایی که رشته‌های مختلف به این زمینه کرده‌اند استوار بوده است. این رشته‌ها شامل ادبیات، نقد ادبی، تاریخ، روان‌درمانی و همچنین جامعه‌شناسی بوده‌اند. ماهیت میان رشته‌ای این فرایند و باروری فکری آن در تثبیت این زمینه علمی و شکوفا کردن خلاقیت‌های ذهنی، پژوهش‌های تجربی و مباحثات نظری مفید بوده است. با این حال، مطالعه فرهنگ عامه هنوز به موازنه بیشتر بین رویکردهای روان‌درمانی و نقد ادبی، و مساعدت از سوی جامعه‌شناسی و تاریخ نیازمند است. رشته‌های مختلف یا فرعی منعکس‌کننده نحوه شکل‌گیری بحث‌های مختص به خود هستند و در مورد آنچه بیان می‌کنند شواهد تجربی ارائه می‌دهند. این ادعا که برخورد «مطالعات فرهنگی» با مطالعه فرهنگ عامه در واقع میان رشته‌ای است با این حقیقت که رشته‌های مختلف سنت‌های مختلف، فرضیات نظری، علایق تجربی و تاریخی و روش‌های خود را دارند و در نتیجه نمی‌توانند به آسانی با دیدگاه کلی «میان رشته‌ای» درآمیزند، در تضاد است. برای مثال، مواضع متفاوت روان‌درمانگرها و مورخان را در مورد نقش اعتبار تجربی و نیاز به مفاهیم نظری مقایسه کنید. به همین دلیل، این کتاب سعی خواهد کرد بر اهمیت رویکردهای جامعه‌شناسی در مطالعه فرهنگ عامه تأکید کند.

اگرچه این کتاب سعی کرده است نظریه‌های مهم فرهنگ عامه را معرفی کند

و مورد ارزیابی قرار دهد، اما به عنوان تاریخ مطالعه فرهنگ عامه به نگارش درنیامده است. نظریه‌های منتخب بر حسب فرضیات و مباحثشان درباره نحوه توصیف و ارزیابی فرهنگ عامه مورد بحث قرار می‌گیرند. این نظریه‌ها به عنوان مراحل تاریخ درونی مطالعه فرهنگ عامه مورد بحث قرار نمی‌گیرند و هدف از آن‌ها نیز چنین چیزی نبوده است. کتابهایی که این روش را دنبال می‌کنند یا یا حسیه‌های مشخص تاریخ سروکار دارند، هم اکنون در دسترس هستند. برای مثال، شرح کلی ترنر (Turner, 1990) از سنت مطالعات فرهنگی که در انگلستان ظهور کرد و در ارتباط نزدیک با مرکز مطالعات فرهنگی معاصر در دانشگاه بیرمنگام بود، یکی از این کتابهاست. نقد مک کیگان (MC Guigan, 1992) از سنت مطالعات فرهنگی و موفقیت این سنت در جلب و تشویق پوپولیسم به بهای طرح سوالهای مربوط به ابعاد وسیعتر قدرت سیاسی و اقتصادی نیز یکی از این مثالهاست.^(۱) یا تفسیر راس (Ross, 1989) از رابطه متغیر روشنفکران و فرهنگ عامه در آمریکا، یکی از مشکلات این گونه کتاب‌ها این است که آنها اغلب به روش داخلی بحثهای روشنفکری یا رشد نابرابر این رشته به همان میزان توجه می‌کنند که به بررسی و ارزیابی فرهنگ عامه توجه دارند.

بنابراین، این کتاب به ارائه تاریخ درونی مطالعه فرهنگ عامه تظاهر نکرده و در مقابل سعی می‌کند نظریه‌ها را بر حسب شرایط خود و به عنوان روشهایی که فرهنگ عامه را شرح می‌دهند، مورد ارزیابی قرار دهد. این کتاب همچنین به ارائه یک نظریه بدیل از فرهنگ عامه وانمود نمی‌کند و در سراسر آن اشارات و نکات مختلفی که به علایق ذهنی و تحلیل و تعصبات خود من مربوطند، وجود دارد. اقدام به ارائه یک نظریه بدیل، در صورتی که چنین کاری ممکن باشد، بی‌شک مانعی بر سر راه اهداف فروتنانه‌تر این کتاب ایجاد می‌کرد.

اگرچه موضوع این کتاب فرهنگ عامه است، با این حال در این مقدمه تلاش زیادی برای تعریف آن بکار نرفته است. اگر بخواهیم تعریف کارآمدی از این

اصطلاح ارائه دهیم، کافی است از موارد شمول این اصطلاح توصیفی صریح ارائه کنیم. تعریفی که من از فرهنگ عامه در ذهن دارم، تعریفی است که هبیدیژ (Hebdige) آن را ارائه کرده است: «فرهنگ عامه همان چیزی است که در یک مجموعه از بدایع ساخت بشر که به طور عمومی در دسترس هستند، وجود دارد: نظم، نوار، موسیقی، پوشاک، برنامه‌های تلویزیونی، وسائط حمل و نقل و غیره» (۱۹۹۸، صفحه ۴۷). جوامع مختلف، گروه‌های مختلف در بطن جوامع، و جوامع و گروه‌های موجود در دوره‌های مختلف تاریخی همه می‌توانند فرهنگ خود را داشته باشند. بنابراین بهتر است تعریف خشک و خاصی را در نظر نگیریم. تعریف ارائه شده از سوی هبیدیژ برای مقاصد این کتاب کاملاً مناسب است. دامنه ادعای ساخت بشر و فرایندهای اجتماعی موجود در اصطلاح فرهنگ عامه پس از شکل‌گیری بحث این کتاب مطرح خواهند شد. برای توصیف ادعای نظریه‌های مختلفی که در اینجا عنوان می‌شود، مثالهایی ارائه خواهد شد.

من از بحث در مورد برداشت‌های گوناگون در تعریف فرهنگ عامه (ارائه تعریف مورد نظر خود فراتر از یک توصیف صریح) بنا به یک دلیل ساده اجتناب کرده‌ام و آن این است که این یکی از تلافیهایی است که تمام نظریه‌های فرهنگ عامه به آن مبادرت کرده‌اند. صرف‌نظر از اینکه این نظریه‌ها چه به طور ضمنی و چه به صورت صریح تعاریفی از فرهنگ عامه ارائه کرده‌اند که کم و بیش با چارچوبهای مفهومی کلی آن‌ها سازگاری دارند. هرگونه تلاش در جهت تعریف فرهنگ عامه بی‌شک در بر گیرنده بررسی و ارزیابی آن است. بنابراین تعریف فرهنگ عامه به صورت مستقل از نظریه‌ای که برای توصیف آن طراحی شده است، دشوار به نظر می‌رسد.

برای روشن شدن این نکته چند مثال کافی است. فرهنگ عامه از نظر منتقدان فرهنگ توده‌ای، یا فرهنگ قومی جوامع پیش-صنعتی است یا فرهنگ توده‌ای جوامع صنعتی. از نظر مکتب فرانکفورت، فرهنگ عامه همان فرهنگ

توده‌ای محصول صنعت فرهنگ است که ثبات و دوام سرمایه‌داری را تأمین می‌کند. بنابراین، مکتب فرانکفورت با سایر نظریه‌های مارکسیستی، مانند نظریه‌های آلتوسر و گرامشی، در مورد مفهوم فرهنگ عامه به عنوان نوعی ایدئولوژی غالب سهیم است^(۵). دیدگاه اقتصاد سیاسی مارکسیستی نیز به این مفهوم از فرهنگ عامه نزدیک است. نظریه‌های گوناگون فمینیستی، فرهنگ عامه را شکلی از ایدئولوژی پدرسالاری می‌دانند که به نفع مردان و مخالف منافع زنان است. در حالی که گرایش اصلی نشانه‌شناسی تأکید بر نقش فرهنگ عامه در منافع طبقه قدرتمند - از دیدگاه بارت طبقه بورژوازی - است. بعضی از نظریه‌های ساختارگرا، فرهنگ عامه را مظهر ساختارهای جهانی و غیرقابل تغییر اجتماعی و ذهنی می‌بینند. نویسندگانی که نظریه‌های فرهنگی پوپولیستی دارند معمولاً فرهنگ عامه را مجموعه‌ای از عناصر تخریب مصرف‌کننده می‌دانند و آن را دقیقاً با یک مصادره به مطلوب به این صورت ارزیابی و توصیف کرده‌اند. (فیسک: ۱۹۸۹ الف، صفحات ۲۷-۴۳) و بالاخره، طبق نظریه پست مدرنیستی، فرهنگ عامه دربرگیرنده تغییرات بزرگی در نقش رسانه‌های جمعی است که بر تفاوت بین واقعیت و پنداشت تأثیر می‌گذارد.

نتیجه‌گیری ممکن از این مثالها این است که فرهنگ عامه براساس نحوه توصیف و ارزیابی نظری تعریف می‌شود. شکی نیست که همانطور که خاطر نشان کردم، فرهنگ عامه در مقام توصیف مجموعه‌ای خاص از ابداعات ساخت بشر قابل تعریف است. اما تصور ارائه تعریف مفهومی و نظری جامع که مورد قبول عام باشد، بسیار دشوارتر است. به ویژه از آن جهت که تلاش در این جهت به معنی رقابت بین برداشتهایی از ماهیت روابط اجتماعی است که این ابداعات ساخت بشر درون آنها یافت می‌شود. اگر نتوانیم در این جا تعریف مشخصی از فرهنگ عامه جز در ارتباط با نظریه‌های خاص به دست دهیم، ناگزیریم مسئله طرح تعریف خاص را به فصل‌های بعد موکول کنیم.

یادداشتها

۱- این حقیقت که ۹۸ درصد از خانه‌های انگلستان در حال حاضر دستگاه تلویزیون دارند و حدود دو سوم از خانه‌ها به دستگاه پخش ویدئو مجهز هستند (گاردین، بیست سپتامبر ۱۹۹۱) و اینکه به طور متوسط تمام مردم انگلستان در سال ۱۹۹۲ بیش از ۲۶ ساعت برنامه تلویزیونی تماشا کرده‌اند (بی.اف. آی: ۱۹۹۳، صفحه ۵۰) نشان می‌دهد که فرهنگ رسانه‌ای عامه معاصر بسیار گسترده است.

۲- برای ارزیابی ماهیت نابرابریهای جهانی در رسانه‌ها و فرهنگها به سربرنی -محمّدی (۱۹۹۱، Sre berny- Mohammadi) و دروموند و پترسون (۱۹۸۶، Drummond and Paterson؛ بخش ۱) نگاه کنید.

۳- برای مشاهده مطالعاتی که روی پیام‌گیران انجام شده است، برای مثال به لونس (۱۹۹۰، Lewis)، مورلی (۱۹۹۲، ۱۹۹۱، Morley)، مورز (۱۹۹۳، Moores)، استیسی (۱۹۹۴، Stacey) و واکرداین (۱۹۸۶، Walkerdine) مراجعه کنید.

۴- کتاب استوری (Storey) نیز که هدفها و روش آن با این کتاب سازگاری دارد، در این زمینه در دسترس است. (نگاه کنید به استوری ۱۹۹۳).

۵- برای مشاهده بحثهای مربوط به این نظر، نگاه کنید به آبروکرومبی و همکاران (۱۹۸۰، Abercrombie et al.)، هیل (۱۹۹۰، Hill) و آبروکرومبی (۱۹۹۰).